

يك سند تاريخي بخشی از تاريخ ديپلوماسی ايران

سفارت ميشل^۱ در ايران

بقلم : دکتريانی (خالبا)

استاد تاريخ دانشکده ادبيات

زمانیکه فرانسويان در صدد پيدا کردن راهی بجانب ممالک مشرق بودند و برای رسیدن بمقصود با دولت عثمانی روابط ديپلوماسی و بازرگانی^۲ ایجاد می کردند و موقع خویش را در امپراطوری وسیع عثمانی مستحکم می ساختند، کشور ایران با زمامداری خاندان صفویه و بخصوص شاه عباس کبیر در اوج ترقی و تعالی سیر مینمود.

وضع جغرافیایی ایران و وجود اهتمة گرانبهای مانند مروارید و ابریشم و پارچه های زربفت این کشور و اهمیت و اقتداری که در آن زمان بهم رسانیده بود نام آنرا در سراسر جهان مخصوصاً در ممالک اروپایی مشهور ساخته بود و همگی ارتباط و نزدیک شدن بدان را آرزو می کردند از مدت های پیش افسانه های خاورزمینی نقل محافل و مجالس شده بود و نویسندگان هر يك کم و بیش از اسرار این سرزمین چیزها مینوشتند. مسافرت جهانگردان بر این آتش میل و آرزو دامن میزد و شعله عشق و علاقه غریبان را تیزتر میکرد. یکی از آنان بنام تیوری در کتاب خود موسوم به «ایران و نورماندی»^۳ چنین نوشته است :

«از مدت های پیش دانشمندان ما (اروپائیان) در پی یافتن اسرار کشورهای خاورزمین هستند، بسیاری از این میان برای بدست آوردن نسخه های خطی و اشیاء قدیم از طرف پادشاهان مسیحی بغالب نقاط آن سامان مسافرت کردند از جمله گیوم بوستل بود که از موقع استفاده کرده یونان و آسیای صغیر و سوریه را سیاحت نمود و در ضمن

(۱) Sieur Michel.

(۲) بموجب معاهده های سال ۱۵۳۲ و ۱۶۰۴ میلادی

(۳) Thieury, la Perse et la Normandie, Paris, p. 9.

اطلاعات مفیدی از ایران در کتابهای خود بیادگار گذاشت». نویسنده مذکور در جای دیگر از کتاب خود چنین آورده است: «پس از مرگ گیوم بوستل نویسندگان دیگری دنباله اقدامات او را گرفته بنشر اخبار و اطلاعات از کشورهای خاور برداختند. چنین اقدامی توجه و نظر مخصوص پادشاهان فرانسه را در سیاست اقتصادی و بازرگانی آشکار و واضح میدارد.»

انتشارات مزبور شور و هیجانی در ملت فرانسه برای متوجه ساختن آن بخارج از کشور خود و بدست آوردن سهمی در بهترین نقاط پر ثروت جهان ایجاد نمود. هانری چهارم (۱۵۸۹-۱۶۱۰) پادشاه فرانسه چون زمام امور را بدست گرفت اقدامات اسلاف خود را در امر اقتصادی و راه یافتن بکشورهای ساحلی دریای مدیترانه تعقیب کرد و نقشه‌هایی برای این کار طرح نمود. جانشینان وی لوئی سیزدهم (۱۶۱۰-۱۶۴۳) و لوئی چهاردهم (۱۶۴۳-۱۷۱۵) چون تشخیص دادند که نمیتوانند بادواتهای اسپانیا و هلند و انگلیس که از سالها پیش در ممالک شرق رخنه کرده و نفوذی بهم رسانیده اند، یکباره مقابله و برابری نمایند، بهتر دیدند که در زیر پرده تبلیغ دین مقاصد سیاسی و اقتصادی را بموقع عمل بگذارند.

کاردینال ریشلیو^۱ صدراعظم مدبر و باکفایت و سیاستمدار لوئی سیزدهم چون بزمامداری رسید (۱۶۲۴) بزودی نه تنها تسلط بازرگانی فرانسه را در دریای مدیترانه شرقی و کشورهای ساحلی آن مسلم کرد بلکه راه هندوستان را بروی هموطنان خود که از مدتها پیش آرزو مند رسیدن بدان بودند، باز نمود.

«شرکت هند شرقی» که از سال ۱۶۰۴ بفرمان هانری چهارم صورت رسمی یافته و مدتها گاهی با موفقیت و زمانی با عدم موفقیت در عمل بود بتوسط ریشلیو تقویت و پشتیبانی شد و با فرمانی که در سال ۱۶۴۲ صادر نمود امتیازات زیاد دیگری برای شرکت مزبور قائل گردید. در زمان سلطنت لوئی چهاردهم شرکت بر طبق فرمانی که در ماه مه ۱۶۶۴ بصحبه شاه رسید، بازرگانی جنوب افریقا و دریاهای جنوبی هندوستان

(۱) بایگانی وزارت امور خارجه فرانسه، جلد اول ص ۵۳.

برای مدت پنجاه سال بخود منحصر کرده اجازه گرفت هر نقطه‌ی را که بتصرف در آمد و در تحت اختیار خود گرفت از محصول و معادن و فروش برده آن استفاده نماید.

اقدامات شرکت مزبور در هندوستان بزودی صورت عمل بخود گرفت و پادشاه فرانسه با اقدامات سیاسی بی در پی و فرستادن سفرای چندی بدربار اورنگ‌زیب امپراطور گورگانی هند راه را برای اتباع خویش بازو هموار نمود. امپراطور هندوستان از سفرای فرانسوی بخوبی پذیرایی کرد و بسیاری از امتیازات را که خواستار بودند پذیرفت و بر طبق قرارداد ناحیه پونیشری در ساحل کوروماندل مرکز عملیات شرکت بازرگانی هند خاوری فرانسه گردید.

استقرار فرانسویان در هندوستان آنانرا بخیال انداخت از تجارت با ایران نیز استفاده نمایند و مانند انگلیسیان و هلندیان مراکز بازرگانی در اصفهان و شیراز و بندر عباس برای خود تأسیس نمایند.

در فرانسه علاوه بر بازرگانان که پیوسته ارتباط اقتصادی را بادولت ایران آرزو داشتند بسیاری از سیاستمداران بودند که در امور سیاسی شرق دارای اطلاعات کافی بودند و در نظر داشتند متحد قوی دیگری در این صفحات یافته از اتحاد بادولت امپراطوری عثمانی که نظر خوشی بدین مسیح و مسیحیان نداشت دست بردارند. اتفاقاً در این زمان که شاه عباس در داد بر انداختن و ضعیف کردن دشمن خود بود، نسبت با اتحاد با فرانسه باین امید که آن دولت را از دوستی با عثمانی منصرف نماید، اظهار تمایل کرد.

در ایران نیز اتباع فرانسوی بنوبه خود در صدد بودند وسایلی برای جاب نظر حکومت ایران بر انگیزند و آنرا بادولت متبوع خود در ارتباط دوستانه ببندازند. اقدامات این جمع از گزارش یکی از فرانسویان مقیم پایتخت ایران به پادشاه فرانسه روشن، میشود: «از زمان قتل سلطان عثمانی و اغتشاشی که بر اثر این حادثه در امپراطوری عثمانی روی داده است پادشاه ایران از موقع استفاده کرد و در اکتبر ۱۶۲۵ شهر بابل و سایر شهرهایی را که مانند نینوا در کنار فرات واقع شده است بدون اینکه مقاومت شدیدی از طرف عثمانی ببیند بتصرف در آورده و تمام قوای دشمن را در آنجا منکوب و متواری

ساخته است بطوریکه اگر پادشاه ایران از این پس مقاومتی در برابر خودنمیند تاحلب و ساحل دریای مدیترانه خواهد دراند و آنوقت است که پادشاهان مسیحی میتوانند از موقع استفاده کرده بر سر عثمانیان بتازند و امپراطوری آنرا که در حال ضعف و سستی سپر میکند تجزیه نموده از قدرت بیندازند، در ضمن نیز دولتین فرانسه و اسپانیا حاضرند در صورتیکه نیروی نظامی ایران حلب را اشغال نماید آشکارا یا در خفا چندین کشتی جنگی آماده سازند و بآب‌های ساحلی عثمانی تاخته جزایر اطراف آنرا تصرف شوند و دست دولت عثمانی را از این سمت کوتاه کنند.

«بنابراین لازم است در حفظ ارتباط دوستانه و صمیمانه با پادشاه ایران کوشید و از نزدیک ناظر جریان جنگ (او با عثمانیان) بود و اگر پیشرفت قوای ایران تاحلب و مدیترانه بکشد آنوقت اعلیحضرت (پادشاه فرانسه) میتوانند مطمئن باشند که فرانسه بدون هیچگونه مانعی خواهد توانست مستقیماً دارای رابطه بازرگانی با دولت ایران باشد و از بازرگانی با عثمانیان که چندان حائز اهمیت نیست دست بکشد».

از این پس آمد و رفت نمایندگان و تجار و مبادله سفرها بین دو کشور رسماً آغاز گردید و اشخاصی مانند دولان^۱ و دولا بولای لوگوز^۲ و فرانسوا بیکه^۳ و بیون دو کازنویل^۴ و ژان باپتیست فابر^۵ و ماری پوتی^۶ بعنوان سفارت بدربار ایران آمدند و بیشتر آنها با گرفتن مأموریت‌هایی از طرف سلاطین صفویه بکشور خود عردت کردند و روابط حسنه را میان دو کشور افتتاح و ایجاد نمودند.

در این مختصر از مأموریت یکی از سفرای فرانسه بنام میشل که نام او در مر اسله‌بی که موضوع این مقاله را تشکیل میدهد ذکر شده است گفتگو میشود.

در ۲۵ اکتبر ۱۷۰۶ میشل کاردار فرانسه در حلب بوسیله فریول^۷ سفیر فرانسه در استانبول بدانجا احضار گشت و بوی دستور داده شد که خود را آماده حرکت بایران برای

۱ - De Lalain

۲ - De la Boullaye le gouz.

۳ - François Picquet.

۴ - Billon de Casenville.

۵ - Jean-Baptiste Fabre.

۶ - Marie Petit.

۷ - Ferriol.

نماید. در ۴ اوت ۱۷۰۷ لوئی چهاردهم بر طبق فرمان رسمی ویرا بنام نماینده فوق العاده از جانب خود بدربار ایران مأمور ساخت.

روابط حسنه و اتحاد و اتفاقی که در این تاریخ فیما بین دو کشور ایران و فرانسه رو با استحکام و تزايد میرفت انگلیسیان و هلندیان را که در ایران از مدتها پیش دارای منافع سیاسی و اقتصادی شده بودند بوحشت و تکاپو انداخت بنابراین با تمام قوا برای خنثی کردن عملیات و اقدامات فرانسویان کوشیدند و در صدبرآمدند از رسیدن نماینده جدید فرانسه بپایتخت پادشاه صفویه جلوگیری نمایند. یکی از روحانیان مقیم اصفهان بنام پرمونیه در تاریخ ۱۸ ژانویه ۱۷۰۸ در اینخصوص نامه‌یی به میشل قبل از حرکتش بدین مضمون نوشت^۱: « با اطلاع شما میرسانم که انگلیسیان برای جلوگیری از عملی شدن مأموریت شما فوق العاده بدست و پا افتاده و بانواع تشبثات متوسل شده‌اند، اخیراً با اعتمادالدوند (صدر اعظم) ملاقاتی کرده سپس انتشار داده‌اند که فرانسویان در جنگی که با آنان در اروپا می‌کنند کاملاً شکست خورده و قوای انگلیسی بسیاری از شهرهای فرانسه را اشغال کرده‌اند و برای اظهار خوشوقتی و شادمانی از این پیروزی توپهای خود را شلیک کرده و سروصدا و غوغائی راه انداخته‌اند. تصادفاً اگر اقدامات دخالت و فعالیت شدید روحانیان فرانسوی مقیم اصفهان نبود شاید موضوع سفارت میشل بکلی منتفی میشد و انگلیسیان و هلندیان بمقصد خویش نائل میگرددیدند. میشل در نامه‌یی که بدین مضمون به لوئی چهاردهم نوشت مراتب را تأیید نمود «... انگلیسیان و هلندیان و پرتغالیان به صوفی (پادشاه صفویه) تلقین کرده بودند که پادشاه فرانسه با فرستادن یکنفر سفیر از خانواده پست در نظر دارد ویرا تحقیر نماید ولی اقدامات مجدانه و سعی و کوشش روحانیان ما در اینجا که جان و مال خود را وقف فدای منافع کشور پادشاه خود کرده‌اند رفع سوء تفاهم را کرده و بدربار ایران فهمانیده‌اند که سفیر فرانسه از خانواده اصیل و نجیب و شریف میباشد... »^۲.

۱ - Père Mosnier.

۲ - بایگانی وزارت امور خارجه فرانسه، نمره ۲، ص ۱۸.

۳ - بایگانی وزارت امور خارجه فرانسه صفحه ۱۶۰، نمره ۲.

با وجود تمام این اشکالات و موانع میشل خود را باصفهان رسانید و از جانب پادشاه ایران پذیرفته شد و پس از مذاکرات مفصل و طولانی موفق گردید که در تاریخ ۷ سپتامبر ۱۷۰۸ معاهده‌ی بین ایران و فرانسه امضا نماید.

قبل از وارد شدن باصل و متن معاهده لازم میدانم مذاکرات مقدماتی را که میان سفیر فرانسه و نماینده پادشاه ایران صورت گرفته است و از نظر تاریخی و دیپلوماسی بی اهمیت نیست از نظر خوانندگان محترم بگذرانم، متن اصلی مذاکرات مقدماتی که در تاریخ ۲۸ اوت ۱۷۰۸ از طرف میشل بعنوان گزارش بدربار پاریس فرستاده شده است از بایگانی وزارت امور خارجه فرانسه استنساخ شده و در ذیل ترجمه میشود:

«اعلیحضرتا.

«در هجدهم همین ماه (اوت) اعتمادالدوله (صدر اعظم) مهماندار باشی را نزد من فرستاد و پیغام داد که شاه مستوفی خاصه را مأمور کرده است که با من وارد مذاکره شود و از تقاضاها و نیات دولت فرانسه مطلع گردد، این خبر باعث تعجب شدید من گردید بدو علت یکی اینکه پادشاه ایران شخصی را مأمور مذاکره کرده است که با اعتمادالدوله دشمنی سخت دارد دیگر اینکه مستوفی از طرفداران جدی انگلیسیان میباشد. معذک برای امتثال اوامر «صوفی» و جوابگویی بمهربانی‌ها و ملاحظت‌های اعتمادالدوله تصمیم گرفتم با مستوفی خاصه وارد مذاکره بشوم. بطوریکه تحقیق کرده‌ام مستوفی خاصه مردی است فوق العاده باهوش و باتدبیر و از میان ایرانیانی که تاکنون شناخته‌ام روشنفکرتر و فهمیده‌تر است.

«مستوفی بمن گفت که اعلیحضرت پادشاه ایران از آمدن و اقامت فرانسویان در کشور ایران فوق العاده راضی و خشنود میباشد ولی در ضمن خاطر نشان کردند که نباید آزادی تجارت برای فرانسویان بزبان ملت ایران تمام شود زیرا منافعی که از این حیث از طرف ارامنه عاید ایرانیان میشود بیش از آن مقداری است که اصولاً از طرف فرانسویان بدست خواهد آمد، در جواب گفتم بهیچوجه نباید خاطر اعلیحضرت پادشاه ایران از این حیث رنجیده شود زیرا انگلیسیان و هلندیان و پرتغالیان هیچکدام حقی از

دادوستدی که در ایران دارند نمی بردازند. مستوفی در جواب گفت این موضوع علمی دارد اول اینکه انگلیسیان با ارتش ایران در گرفتن هرمز و بیرون کردن پرتغالیان از سواحل ایران کمک کردند و شاه عباس کبیر بجبران این خدمت بازرگانان انگلیسی را از پرداخت عوارض و حقوق گمرکی معاف کرد، دوم اینکه هلندیان تمام ادویه ایران را تأمین میکنند و در مقابل آن مجبورند که بهمان نسبت ابریشم از ایران صادر نمایند و این خود منافع هنگفتی را در بر دارد. سوم اینکه چون دست هلندیان از جزیره هرمز و سایر نقاط سواحل خلیج فارس کوتاه شد شاه عباس برای دلجویی آنان موافقت کرد که تجار پرتغالی بتوانند در ایران آمد و رفت کنند و در برابر امتعه‌هایی که صادر و یا وارد میکنند حقوقی نپردازند ولی فرانسویان که جدیداً بایران آمده و بتازگی دوستی خود را آغاز نموده‌اند هنوز خدمتی انجام نداده‌اند تا در مقابل آن دولت امتیازاتی برای آنان قائل شود.

• اعلیحضرتا. تمام دلایل این مرد مقرون بحقیقت بوده است و نتوانستم هیچگونه ایرادی بر آنها وارد آورم. ناچار باین بهانه متوسل شدم که اعلیحضرت پادشاه فرانسه از آغاز سلطنت خود تا این تاریخ که شصت و پنج سال میگذرد تمام دولت‌های اروپایی را متوجه خطرترکان و مسکوویت‌ها (روس‌ها) کرده است بطوریکه اینان ناچار شده‌اند برای دفاع از حملات احتمالی دولت‌های اروپایی نظر خود را از جانب ایران برگردانند و شمارا راحت بگذارند. مستوفی از این اظهار من فوق‌العاده متعجب و متغیر شد و بصراحت گفت که ایرانیان هیچوقت از ترکان و مسکوویت‌ها نترسیده و از جانب آنان نگرانی نداشته‌اند. بنا بر این بهتر است که مذاکرات ما فقط در اطراف تجارت دورزند و وارد مسائل نظامی و سیاسی نشویم. بهر صورت اگر تجار فرانسوی حاضرند ده درصد برای صادرات و واردات و سه درصد حقوق راهداری و گمرک بپردازند دولت ایران میتواند بر این زمینه با دولت فرانسه ارتباط بازرگانی ایجاد کند.

« چون خود را در مقابل دلایل مستوفی مغلوب دیدم گفتم بهتر است وارد این موضوعات نشویم فقط تقاضا دارم مقداری از حقوق گمرکی بما تخفیف بدهید. مستوفی سوگند یاد کرد که حق ندارد کمتر از ده درصد تخفیفی قائل شود. در جواب گفتم با این

مقدار هم نمیتوانم موافقت نمایم بهتر است از مسائل دیگر صحبت کنیم . مستوفی گفت تا چه اندازه میتوانید موافقت داشته باشید؟ جواب دادم بطور کلی با پرداخت حقوق گمرکی مخالفم بدلیل اینکه سایر ملل اروپائی از این حق معاف هستند ، در جواب این تقاضا نمائنده پادشاه ایران موضوعی را در میان گذاشت که شایان بسی توجه است. مستوفی گفت در صورتی از دریافت حقوق گمرکی صرفنظر مینمایم که دولت فرانسه تعهد نماید تمام سواحل بحری ایران را در مقابل دشمنان حفاظت کند و انگلیسیان و هلندیان و پرتغالیان را از سر اسر خاک ایران براند و خود تجارت خارجی را در دست بگیرد ، در جواب این سؤال خاطر نشان کردم که پذیرفتن چنین تعهدی از صلاحیت من خارج است و این موضوعی است که شخص اعلیحضرت پادشاه فرانسه باید راجع بآن تصمیم بگیرند . مستوفی چون عجز مرا مشاهده کرد گفت بهتر است راجع بحقوق گمرکی توافق نظری حاصل کنیم و در خصوص سایر مسائل با امپراطور فرانسه وارد مذاکره میشویم شاید بتوانیم بتدریج و بمرور زمان فرانسویان را از پرداخت حقوق گمرکی و عوارض معاف نمایم. اظهار مجدد مستوفی خاصه روزنه امید باز کرد و از او خواش کردم بادود درصد موافقت نماید . مستوفی گفت پادشاه من بهیچوجه با این مقدار موافقت نخواهد کرد بهتر است بجای حقوق گمرکی تجار فرانسوی هر ساله مبلغی که مقدار آن بعدا معین خواهد شد بخزانة سلطنتی بعنوان پیش کش بدهند . گفتم این پیشنهاد نیز غیر عملی است زیرا پرداخت مبلغ سالیانه حکم باج و خراج را دارد و دولت من با آن موافقت نخواهد کرد .

« مذاکرات ما شش ساعت بطول انجامید و شنیدم که مستوفی خاصه با طرفیان خود گفت از هیچ راه نتوانستم سفر فرانسه را متقاعد نمایم زیرا شاه بهیچ قیمت حاضر نیست از گرفتن حقوق گمرکی صرفنظر نماید. و چون دید که بنوکران خود دستور دادم که اسبان را برای عزیمت حاضر نمایند با ملایمت بیشتری خاطر نشان کرد که وقفه در مذاکرات صورت خوشی ندارد . بهتر است طرفین از اجاجت دست بکشند تا بنتیجه بی برسند. در جوابش گفتم چنانکه ملاحظه میکنید اگر وقفه بی در مذاکرات پیدا شود تقصیر

از من نیست سپس اضافه کردم که دوستی پادشاه فرانسه خیلی بیش از ده درصد برای دولت ایران ارزش دارد و زمانی خواهد رسید که ایران بکماک ما فرانسویان احتیاج خواهد داشت. این مذاکرات که قدری از حال عادی خارج شده بود وضع را بصورت جدی‌تری در آورد. مستوفی به من گفت بجهت دولت ایران از حقوق حقه خود صرف‌نظر نماید در حالیکه تجار فرانسوی باینکه منافع کمتری در عثمانی نصیبشان میشود و تجارت در آنجا دشوارتر انجام میگیرد، حقوق گمرکی می‌پردازند ولی در ایران از پرداخت آن امتناع می‌ورزند.

در مقابل تمام این دلایل منطقی مسأصل شده نمیدانستم از چه راهی داخل شوم تا اینکه سرانجام ناچار این پیشنهاد را دادم که دولت فرانسه حاضر است همان مبلغی را که در کشور عثمانی می‌پردازد یعنی سه درصد برای امتعه وارده و صادره در ایران نیز بپردازد مشروط بر اینکه شاه ایران تاشش سال تجار فرانسوی را برای آزمایش و محاسبه دخل و خرج و عوایدی که از این راه ممکن است عایدشان شود از پرداخت حقوق گمرکی معاف دارد و نیز تمهید نماید که تمام تقاضاهای ما را راجع به هیئتهای مذهبی بپذیرد.

«جواب پادشاه ایران یک ساعت و نیم بعد بدینقرار رسید: پادشاه ایران برای رعایت جانب احترام و حفظ شوئن پادشاه فرانسه و نگاهداشت روابط دوستی دولتین مستوفی خاصه نماینده خود را مأمور میکند که با پیشنهاد سفیر فرانسه موافقت نماید. باین طریق معاهده‌یی که بنفع دولتین ایران و فرانسه بود با ماضا رسید.

«اعلیحضرتا تمام اعضای هیئتهای مذهبی ما مقیم اصفهان بهیچوجه تصور این موفقیت را نمی‌کردند که بحمدالله با کامیابی بیابان رسید.»

معاهده در ۷ سپتامبر ۱۷۰۸ با ماضا رسید و متن آن در شماره آینده از نظر خوانندگان محترم خواهد گذشت.

نامه‌یی که در ذیل این مقاله طبع میشود از بایگانی وزارت امور خارجه فرانسه تحت شماره «A.E. Perse. n 2. fol. 53-54» بوسیله نگارنده عکس برداری شده است. این نامه را شاه سلطان حسین پس از امضای معاهده بلوئی چهاردهم نوشت و میشل مأمور ارسال آن گردید.

خزانه ایات مجتبیات ایجاب داد و نهایت اتحاد بجانب الامی پادشاه عظیم الشان لایت پارس و زرشید و برتیا و اکتیانیا و اوکیتانیا و یکتا و
 و کشتزار و لوزی و اردکانیا و کرابیس و پروسا و پیکر و علیسا و قزاق و امداد و اسپنم و تریش و کارونم و نیرزین و کوکتم و بکار و ایا و کاکسین
 کینیا و درگک و سنیا و کوه سبزین آتریا و سیر و لایه ایلی و ارسلان استنکرت بدو چون مستعان بنامه و تعلق در استیال اجتماع بسیار عظام
 این شهر و اوستی شاه صوفت بست و بر بنیر نیرزین و سیر و کوه کاتب شریف بقدم و ستایک و سال کنگ کورنیا است. لایلی بر این شهر
 بنام صدق و صنایع این شهر و در ده و پنجاه کیلومتر است و در آنجا که است و در آنجا که است و در آنجا که است و در آنجا که است
 زنده و در آنجا که است و در آنجا که است و در آنجا که است و در آنجا که است و در آنجا که است و در آنجا که است
 بلند بارگاه و بخش صفت و یک کی و اندک و اتیان و خلیل یک کی و اختلاف نیش و آمده و در آنجا که است و در آنجا که است
 و مسوری و طرفین و مشا ایر و مشایر و کمنات صیر و غیره و غزوات و غزوات و غزوات و غزوات و غزوات و غزوات
 ایستادگان چنگ و شک است و اساتد و بقول الامی شریف و طبع طبع و نیت شایسته که در بارگاه است و در آنجا که است
 بیست و دو گنجان و در آنجا که است و در آنجا که است و در آنجا که است و در آنجا که است و در آنجا که است
 انور خیزت و در آنجا که است و در آنجا که است و در آنجا که است و در آنجا که است و در آنجا که است
 بزی که نومی ایسه نظرات عظام و در آنجا که است و در آنجا که است و در آنجا که است و در آنجا که است
 اقرا و ایضا و در آنجا که است و در آنجا که است و در آنجا که است و در آنجا که است و در آنجا که است
 بمرکز گشته و در آنجا که است و در آنجا که است و در آنجا که است و در آنجا که است و در آنجا که است
 ادما و آقا و در آنجا که است و در آنجا که است و در آنجا که است و در آنجا که است و در آنجا که است
 شتات صنایعی و شریف و سبب است که است